

سرانجام رضا شاه

مهناز اسداله

در ساعت ۴ صبح روز ۲۵ اوت ۱۹۴۱ (۳ شهریور ۱۳۲۰) سفیران انگلیس و شوروی در تهران به منزل علی منصور نخست وزیر رفتند و هر یک بطور جداگانه یادداشت‌هایی تسلیم وی نموده و اعلام داشتند که چون دولت ایران در انجام درخواستهای فوری و مهم دو کشور همسایه سهل‌انگاری کرده و سیاست مبهمی در این موقع حساس و خطرناک در پیش گرفته و در بیرون کردن عمال آلمانی هیچگونه اقدامی ننموده به این جهت دولت‌های شوروی و انگلیس خود را ناگزیر دیدند به نیروهای مسلح خود دستور دهند که از مرزهای ایران عبور نمایند و ارتش‌های شوروی و انگلیس وارد خاک ایران شده و مشغول پیشروی هستند رضاشاه از این عمل غیر مترقبه متفقین سخت پریشان خاطر و بهت زده شده در روز ۲۵ شهریور نیروهای شوروی و انگلیس از شمال و جنوب به سوی تهران حرکت کردند. اطلاع از ورود قوای متفقین به تهران رضاشاه را دچار اضطراب و پریشانی نمود و در همانروز ناچار به نفع ولیعهدش محمدرضا پهلوی از سلطنت استعفا داد و بلافاصله در معیت خانواده‌اش روانه بندرعباس گردید و در آنجا سرنوشت خود را بدست انگلیسیها سپرد. سپس به جزیره موریس^۱ تبعید شد و پس از مدتها اقامت در این جزیره استوایی بد آب و هوا به علت بیماری در فروردین ۱۳۲۱ به ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی منتقل شد.



مجلس شام در جزیره موریس (پاییز و زمستان ۱۳۲۰) فاطمه، احمدرضا، محمودرضا، غلامرضا در دست راست شاهدخت شمس، عبدالرضا، حمیدرضا در دست چپ

^۱ -موریس جزیره‌ای در جنوب شرقی آفریقا، مساحت آن ۱۸۶۵ کیلومتر مربع، جمعیت آن ۱۰۰۵۰۰۰ نفر و زبان آن انگلیسی است، نوع حکومت آن جمهوری است که در سال ۱۹۶۷ از انگلیس مستقل شد و در ۲۴ آوریل ۱۹۶۸ به عضویت سازمان ملل درآمد و پایتخت آن پرت لوئیز می‌باشد.



منظره‌ای از بیرون و داخل ویلای محل اقامت رضاشاه در ژوهانسبورگ. ملکه عصمت فقط به مدت ۷ ماه در موریس در کنار شوهرش بود و بعد به بهانه بیماری و خستگی اعصاب و درس خواندن فاطمه و حمیدرضا به ایران بازگشت.

در اوایل سال ۱۳۲۳ رضاشاه دچار حمله قلبی شد و چند روز در حال اغما بود. وقتی خبر بیماری و بستری شدن وی به تهران رسید شمس پهلوی عازم ژوهانسبورگ گردید و ب نامه تازه‌ای از محمدرضا شاه برای پدرش وارد ژوهانسبورگ شد حال رضاشاه رو به بهبودی گذاشت. مرگ^۱ رضاشاه چند هفته‌ای پس از ورود شمس پهلوی به طور ناگهانی اتفاق افتاد. دکتر «بروسی»^۲ اعلام کرد که مرگ او در ساعت پنج صبح و بر اثر حمله قلبی بوده. پس از مرگ رضاشاه بحث بر سر این بود که جنازه رضاشاه چگونه و به کجا حمل شود، در دربار تهران سه نظریه مطرح بود:

۱- اول اینکه جنازه با هواپیما یا کشتی به تهران حمل و در محل کارخانه ساخته نشده ذوب آهن کرج دفن شود.

۲- جنازه در تالار بزرگ قصر مرمر مدفون و قصر مرمر به آرامگاه رضاشاه تبدیل شود.

۳- جنازه به مشهد مقدس حمل و در جوار آستان قدس به خاک سپرده شود.

این امر به دلیل نظرنامساعد دو دولت انگلستان و شوروی و همینطور ترس دربار به خاطر داغ بودن آتش وقایع دوران بیست ساله عملی نشد، انگیزه مهمی که تشییع جنازه شاه متوفی را به تعویق افکند، تمسک به گذشت زمان و پوشیده شدن وقایع در غبار دوران بود. این احتمال که مخالفان سلطنت با آوردن جنازه شاه فرصت مناسبی برای تظاهرات بر ضد دربار پیدا کنند و موجودیت سلطنت شاه جوان را به خطر اندازند علت و عامل اصلی برای به تأخیر انداختن تشییع

^۱ - رضاشاه به هنگام مرگ ۶۷ سال داشت

^۲ - پزشک معالج رضاشاه

جنازه شاه بود. در نهایت پس از گذشت ۹۰ روز از فوت رضاشاه در ۲۳ شهریور ۱۳۲۳ برابر با ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۴ طی موافقت دولت مصر جسد مومیایی شده رضاشاه را به طور موقت با کشتی به مصر انتقال دادند.

جسد شاه در تابوت با لباس نظامی و همراه با مدالها و نشانهایی بود که در بین آنها شمشیر جواهرنشان سلطنتی که رضاشاه در مراسم تاجگذاری از آن استفاده کرده بود به چشم می خورد، این شمشیر گرانبها که از طلای خالص و جواهرات کمیاب بود توسط تاج الملوک همسر بیوه شاه در کنار جسدش گذاشته شد و همراه جسد در سرایبی که برای شخص فاروق ساخته شده بود به امانت گذاشته شد، از آنجایی که فاروق علاقمند به جمع آوری مجموعه های سکه و مدال و ... بود درخواست می کند که مدالهای رضاشاه به رسم یادگار نزد او باقی بماند اما با این درخواست مخالفت می شود پس از تثبیت قدرت شاه جوان و افزایش نفوذ ارتش تصمیم بر آن شد که جنازه رضاشاه به ایران بازگردانده شود سرانجام مقدمات امر برای آوردن جنازه او به کشور فراهم آمد. در اوایل سال ۱۳۲۷ آرامگاه مجللی در شهر ری جنب آستان قدس حضرت عبدالعظیم برای او بنا گردید که کارهای ساختمانی آن تا اوایل فروردین ۱۳۲۹ پایان یافت.

در اوایل اردیبهشت ۱۳۲۹ روزنامه های تهران خبر از روابط تیره ایران (مصر و پس از ماجرای طلاق گرفتن ملکه فوزیه روابط چندان حسنه نبود) دادند. دولت مصر علت ناراضیتی خود را از دولت ایران به رسمیت شناختن اسرائیل از سری ایران می دانست در دربار گفته می شد که این علت اساسی تیرگی روابط نیست و فشار آوردن سفیر ایران در قاهره برای یافتن و پس دادن شمشیر و نشانهای جواهرنشان رضاشاه باعث آزرده گی خاطر فاروق و واکنشهای دولت مصر شده است. چرا که زمان انتقال جنازه رضاشاه به مصر تا زمان بازگشت جسد به ایران بارها مسئله بازگشت شمشیر جواهرنشان مطرح شده بود و نتیجه ای از این مباحثه حاصل نشده بود و در نهایت مصر هرگز شمشیر جواهرنشان را به ایران برنگرداند.



جنازه رضاشاه پس از مرگ مومیایی و به مصر حمل شد



انتقال جسد از مصر به ایران:

روز هشت اردیبهشت ۱۳۲۹ علیرضا، غلامرضا، عبدالرضا، سپهبد یزدان پناه سرلشکر بوذرجمهری، انوشیروان سپهبدی، دهقان و ۱۲ تن افسران ارتش و عده‌ای مستخدم به مصر می‌روند جنازه از مصر به عربستان انتقال می‌یابد و بعد از زیارت مکه و مدینه در روز شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۹، ساعت ۱۱ بامداد جنازه رضاشاه وارد خاک ایران شد و در فرودگاه اهواز بر زمین گذارده شد و از اهواز با قطار مخصوص راه آهن توسط افسران برای طواف به دور صحن مطهر حضرت معصومه به قم برده شد و سپس به سوی تهران حرکت داده شد.

ساعت ۷/۵ بامداد روز یکشنبه جنازه با تشریفات خاص در ایستگاه بر روی تویی سوار شد و بعد از آن نمایندگان نظامی کشورهای همسایه و واحدهای نمونه ارتش از مقابل آن رژه رفتند، در حالیکه شاه و برادرانش و اعضای خانواده پهلوی، نخست وزیر منصور و هیئت وزیران و سناتورها و نمایندگان مجلس و عده‌ای از امیران و افسران آن را مشایعت می‌کردند، از خیابان و میدان سپه شهر تهران گذرانده شد، سپهبد رزم آرا که آن وقت رئیس ستاد ارتش بود در نظم و ترتیب و حرکت تشیع جنازه خیلی مراقب بود و به واسطه شایعات بدی که داده بودند کاملاً انتظامات را شخصاً عهده دار بود در نهایت تمام کارهای انتظامی و تشریفاتی با نظم و بدون سر و صدا خاتمه یافت و سرانجام جسد رضاشاه به آرامگاه احداث شده در شهری انتقال یافت.



مقبره رضاشاه

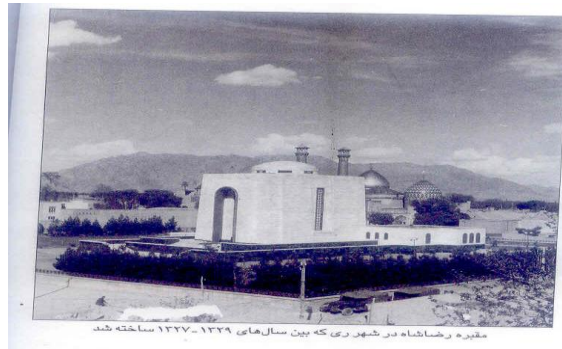
جنازه رضاشاه از روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۹ تا یک هفته پیش از تاریخ به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی در آرامگاه سلطنتی مدفون بود.^۱ چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عده‌ای از مردم به سرپرستی آقای صادق خلخالی در صدد ویران کردن گور رضاشاه برآمدند. آقای خلخالی در شرح چگونگی تخریب مقبره می‌نویسد: «بعد از انعقاد جمهوری اسلامی تصمیم گرفتیم آن مقبره را که به مراتب بدتر از مسجد ضرار بود و جز یک دکور شیطانی نبود و در واقع مایه امید ضد انقلاب و سلطنت طلبان بود تخریب نمائیم در این کار انسانی و اسلامی برادران سپاه پاسداران با تعدادی متجاوز از دویست عدد بیل و کلنگ و دسته‌های دیگر از مردم کمک شایان نمودند. ما در بدو امر خیال می‌کردیم که یک شبه آنجا را خراب می‌کنیم ولی ساختمان بی اندازه محکم بود. بالاخره با شیوه مهندسی و مواد منفجره پس از دو هفته تخریب شد و تنها مقبره رضاخان نبود که خراب شد بلکه قبر متجاوز از پنجاه نفر از وابستگان، منجمله حسنعلی منصور نیز خراب شد...»^۲

آقای خلخالی در پایان این نامه که در پاسخ به سؤال آقای حسین مکی نوشته تأیید می‌کند که جنازه یا استخوانی در قبر نبوده و شاه در روز قبل از رفتن خود از ایران آنرا از ایران خارج کرده و به لوس آنجلس فرستاده است در صحت این ادعا می‌توان به نوشته منصور رفیع زاده رئیس ساواک در آمریکا اشاره کرد او می‌گوید: در نوامبر ۱۹۷۸ ناصر محمد قوچ بیگی یک دیپلمات ایرانی به واشنگتن آمد و گزارش محرمانه‌ای داد، که ناآرامیهای ایران موجب شده که شاه دستور بدهد استخوانهای پدرش را از مقبره‌اش خارج کنند و جایش دسته گل رز بگذارند و مقبره را ببندند گفتم چرا شاه اینکار را کرده، گفت نمی‌دانم خیلی خیلی محرمانه است که حتی ساواک هم نمی‌داند محمد قوچ بیگی گفت این

^۱ - اکثر منابع به دفن رضاشاه در آرامگاه نزدیک به حرم شاه عبدالعظیم اشاره کرده‌اند اما در کتاب پدر و پسر ضمن اشاره به این مطلب گفته شده شاه در سال ۱۹۷۵ در مصاحبه‌ای با (کارانجینا) روزنامه نگار هندی گفته جنازه پدرش به واسطه اعتقاد او به امام هشتم در جوار حضرت رضا علیه السلام دفن شده است! ص ۴۶۹

^۲ - تاریخ بیست ساله ایران- جلد هشتم- صفحات ۵۲۳ و ۵۲۲

جعبه را من از تهران به قاهره برده‌ام و حالا هم به آمریکا آمده‌ام، هیچکس از کاری که توسط من صورت گرفته خبر ندارد. بجز استناد کردن به این نقل قولهای مستقیم اگر در پی یافتن مقبره فعلی رضاشاه در منابع مختلف باشیم در نهایت با علامت سؤال بزرگی مواجه می‌شویم چرا که در منابع مختلف اشارات متفاوتی درباره مقبره فعلی رضاشاه وجود دارد. منابع گاهی متذکر شدند استخوانهای رضاشاه به قاهره حمل و در مسجد الرفاعی قاهره دفن شده، گاهی اشاره به محل استخوانهای رضاشاه در لوس آنجلس و گاهی در مصر و گاهی زیر لوای علامت سؤال مدفون است چنانکه در کتاب پدر و پسر آورده شده: بعد از مرگ شاه در قاهره هنگام دفن جنازه او در مسجد رفاعی مصر، خبرگزارها گزارش دادند که جنازه محمدرضاشاه در کنار قبر پدرش در مسجدالرفاعی قاهره دفن شده است، صحت و سقم این ادعا هم روشن نیست و به درستی نمی‌توان گفت که جنازه رضاشاه، یا بقایای جسد او در کدام نقطه از کره خاکی ما مدفون است!!



منابع:

- ۱- اردلان، امان اله، ۱۳۷۲، خاطرات حاج عز الممالک اردلان، زندگی در دوران شش پادشاه، چاپ اول، بی جا، نشرنامک.
- ۲- الموتی، مصطفی، ۱۳۶۷، ایران در عصر پهلوی، جلد دوم (رضاشاه در تبعید) چاپ دوم لندن، پکا.
- ۳- امینی، علیرضا، ۱۳۸۶، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی، چاپ دوم، تهران، صدای معاصر.
- ۴- بولارد، سرریدر، و اسکراین، سرکلارمونت، ۱۳۶۹، شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ چهارم، تهران، البرز.
- ۵- پسیان، نجفقلی و معتضد، خسرو ۱۳۸۸، زندگی رضا شاه پهلوی از سوادکوه تا ژوهانسبورگ، چاپ پنجم، تهران، ثالث.
- ۶- مکی، حسین، ۱۳۶۶، تاریخ بیست ساله ایران، جلد ۸، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی.
- ۷- معتضد، خسرو، ۱۳۷۸، از آلاشت تا آفریقا، چاپ اول، تهران، انتشارات دوردنیا.
- ۸- معتضد، خسرو، ۱۳۸۸، تاجهای زنانه، چاپ دوم، تهران، البرز.
- ۹- طلوعی، محمود، ۱۳۷۳، پدر و پسر (ناگفته‌هایی از زندگی و روزگار پهلوی ها)، تهران، نشر علم